

مهم‌ترین علل دستبرد منافقان در تاریخ زندگی حضرت خدیجه (س)

سید محمد حسینی^۱

طیبه جهان‌تاب^۲

چکیده

در هنگامه بررسی تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی هستند که در عصر خود و در اسلام نقش بی‌بدیلی داشته‌اند. بر اساس آیات قرآن کریم و منابع معتبر تاریخی، منافقین یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های بودند که از صدر اسلام تاکنون، ضربات جبران‌ناپذیری را به اسلام و مسلمانان وارد کرده‌اند. یکی از اقدامات آن‌ها، دستبرد به تاریخ زندگی حضرت خدیجه بوده است. با توجه به جایگاه ایشان در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی و همچنین شرایط زندگی ایشان در قبل و بعد از اسلام، مطرح کردن ایشان باعث معرفی اسلام راستین و مشخص شدن جریان نفاق می‌شود. منافقین نیز به این مهم پی برده و دست به تحریف تاریخ زندگی این بانوی ارجمند می‌برند. این دستاورد مطالعاتی با روش توصیفی تحلیلی توانست در مسیر بیان علل دستبرد منافقین در تاریخ زندگی حضرت خدیجه، به علل مهمی دست پیدا کند همچون: کاستن مقام و منزلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، کم‌رنگ جلوه دادن نسب اهل بیت (علیهم السلام)، جعل جایگاه والا برای بعضی دیگر از همسران پیامبر، فراموش شدن نام و یاد ایشان و جلوگیری از توجه مردم به حضرت خدیجه (سلام الله علیها).

واژگان کلیدی: علل، دستبرد، زندگی، حضرت خدیجه (س).

^۱. فارغ‌التحصیل سطح سه حوزه علمیه.

^۲. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، jahantabtaebah@gmail.com

مقدمه

با ظهور اسلام در عصر جاهلیت، مردم از نظر مادی و معنوی رشد کردند؛ اما متأسفانه پس از مدتی مسیر تکامل جامعه اسلامی منحرف شد؛ چراکه دشمنان اسلام و منافقین برای حفظ منافع خود و مبارزه با نفوذ اسلام، تلاش‌های زیادی انجام دادند. یکی از اقدامات منافقان، دستبرد در سیره زندگی بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه است.

نتیجه تلاش‌های منافقان و دشمنان در این راستا، ورود تحریفات عدیده در تاریخ زندگی آن بانوی نمونه است. آنان با دستبرد در تاریخ موفق شدند شبهاتی درباره زندگی حضرت در اذهان مسلمین در تمامی عصرها ایجاد کنند و مردم را از حقایق دین منحرف کنند از جمله اینکه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از محبوب‌ترین زنان پیامبر نبوده است؛ زیرا ایشان بیوه بوده و با پیامبر اکرم تفاوت سنی زیادی داشتند و به قول آن‌ها، خدیجه عجزه‌ای از عجائز قریش بوده است. دیگر اینکه حضرت قبل از با پیامبر، با دو کافر ازدواج کرده بودند یا اینکه ثروت حضرت خدیجه در گسترش اهداف دین تأثیری نداشته است یا ثروتشان در مقابل ثروت ابی‌بکر پدر عایشه، ناچیز بوده است.

منافقان به نحوی این کار را انجام دادند که هر کس در ابتدای امر آن مطالب را می‌پذیرد. با اندکی مطالعه در کتب تاریخ مشخص می‌شود که برخی از این تحریفات با اعتقادات شیعه سازگاری ندارد. از این رو با جعل مطالب در تاریخ، حقیقت آن مطلب ثابت نمی‌شود، بلکه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با توجه به سخنان آن بزرگواران، هر چیزی که با اعتقادات شیعه سازگار باشد را می‌پذیرند و اگر مخالف بود آن را رد می‌کنند.

این مقاله بر آن است تا علل دستبرد منافقان در تاریخ زندگی حضرت خدیجه را بررسی کند. درباره زندگی و سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها) کتب و مقالات زیادی نوشته شده است که هر کدام جلوه‌گر بعدی از زندگی ایشان است. با توجه به رصد پژوهش‌های انجام‌شده، تنها دو کتاب به تحریفات زندگی حضرت خدیجه پرداخته‌اند. در سال ۱۳۸۵، سیدموسی احمدی در کتاب «تحریف تاریخ» این مطلب را بررسی کرده است. کتاب «تحریف تاریخی تحلیل زندگی ام‌المؤمنین حضرت خدیجه» نوشته مهدی بابایی نیز درباره تحریفات زندگی حضرت است که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. اما وجه تمایز تحقیق حاضر، تمرکز بر علل تحریف و دستبرد منافقان در سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است. همچنین مطالب در ساختاری جدید ارائه شده است.

علل دستبرد منافقان در زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را می توان در گزینه های زیر بیان کرد:

۱. کاستن مقام و منزلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در تمام دوران زندگی از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار بودند و کمتر زنی را می توان یافت که در دوران جاهلیت از چنین امتیازاتی بهره مند شده باشد. به عنوان مثال ایشان از نظر نسب، جایگاه والایی داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹). پاکي و نجابت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) زبانزد عام و خاص بوده است و همه مردم به ایشان لقب طاهره داده بودند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، مقدمه، ص ۱۶)؛ آن هم در دورانی که زنان به راحتی فساد می کردند و دامنی آلوده داشتند، حضرت خدیجه توانستند با مقداری مال، خلاقیت، کارآفرینی و مدیریت فوق العاده، ثروت زیادی را به دست بیاورند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۸۱).

نکته جالب این است که ایشان مردان زیادی را به اشتغال واداشتند، اما همچنان نجابت و پاکدامنی خود را حفظ کردند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از چنان جایگاهی برخوردار بودند که پادشاهان دیگر کشورها به خواستگاری ایشان می آمدند، اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیشنهاد ازدواج آن ها را قبول نمی کردند.

اما منافقان در کتب تاریخی خود از کنار برخی از روایات که تأییدی بر مقام و منزلت حضرت خدیجه است، عبور کرده اند. به عنوان مثال یکی از تاریخ نویسان لقب «طاهره» را که از برجسته ترین القاب حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است را تصریح نمی کند. این در حالی است که منابع تاریخی بسیاری تصریح کرده اند که حضرت خدیجه ملقب به طاهره بوده اند. همچنین در بعضی از منابع اهل سنت لقب «ام المؤمنین» که در قرآن به تمام همسران پیامبر اطلاق شده است را برای خدیجه (سلام الله علیها) به کار نبرده اند، اما برای عایشه به کار برده اند. همچنین القاب ویژه حضرت خدیجه که پیامبر درباره ایشان بیان کرده اند را حذف کرده اند مانند: «افضل نساء اهل الجنة»، «خیر نساء العالمین»، «سیده نساء العالمین» و... (سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۴۷ و ۴۸). لذا منافقان تاریخ زندگی حضرت خدیجه را تحریف کردند تا کمی از مقام و منزلت ایشان را بکاهند و آن گونه که مطابق مصالحشان بود، ایشان را به مردم معرفی کنند.

۲. کم رنگ جلوه دادن نسب اهل بیت (علیهم السلام)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مادر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و جدۀ ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند. این انتساب، یکی از افتخارات ائمه و باعث سرفرازی ایشان در مقابل دشمنانشان بوده است، به گونه ای که

اهل بیت در مقابل دشمنانشان به داشتن مادری مثل خدیجه کبری افتخار می کردند. در اینجا چند نمونه از این افتخارات بیان می شود:

۱،۲- در عصر خلافت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند. از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند. در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن و امام حسین در مجلس حاضر بودند. امام حسین (علیه السلام) برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن (علیه السلام) دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی (علیه السلام) را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی (علیه السلام) است. تو معاویه و پدرت صخر است، مادر من فاطمه (سلام الله علیها) است و مادر تو هند است، جد من رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است و جد تو حرب است. «و جدتی خدیجه و جدتک فتیله...؛ جده من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جده تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است.» گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: آمین! (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۳).

۲،۲- نظیر حادثه فوق در مدینه در مسجد النبی رخ داد. امام حسن (علیه السلام) پای منبر معاویه برخاست و به وجود جده اش ام المؤمنین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) افتخار کرده و فرمود: «و جدتی خدیجه و جدتک نثیله؛ جده من ام المؤمنین خدیجه (سلام الله علیها) و جده تو نثیله است.» یعنی تو از نسل نثیله (ناپاک) به وجود آمده ای، ولی من از نسل ام المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها) هستم، و فرق است بین ناپاک زاده و پاک زاده» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۹۰؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۴۷).

۳،۲- در ذیل آیه ۱۸ سوره انفطار که خداوند متعال فرموده است: «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ فَكَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ وَ كُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ خداوند متعال علی بن ابی طالب را - هنگامی که در پشت ابوطالب بود- به چهره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آفرید و علی بن ابی طالب (علیه السلام) شبیه رسول خدا بود و حسین بن علی به فاطمه شبیه بوده و من به جده ام خدیجه کبری شبیه هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶هـ ج ۴، ص ۲).

۴،۲- امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جده من خدیجه (سلام الله علیها) دختر خویلد است؟...» (مجلسی، ۱۴۰۳،

ج ۴۴، ص ۳۱۸) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه (سلام الله علیها) هستم؟» (همان، ج ۴۵، ص ۶).

۵،۲- همچنین امام حسین (علیه السلام) در بخشی دیگر خطاب به سپاه مقابل چنین فرمودند: «أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص قَالُوا اللَّهُ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالُوا اللَّهُ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ص قَالُوا اللَّهُ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا قَالُوا اللَّهُ نَعَمْ؛ شما را به خدا قسم آیا می دانید که رسول خدا جد من است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که مادرم فاطمه دختر محمد مصطفی است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که جد هم خدیجه دخت خویلد اول زن مسلمان از این امت است؟ گفتند: آری» (سیدبن طاووس، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

۶،۲- پس از حادثه جانکاه کربلا و پیروزی حق بر باطل، کاروان اسرا به سمت کوفه و سپس شام در حرکت بود. حجت خدا؛ امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) بزرگان این کاروان غم بار بودند. آزار و اذیت خاندان آل الله از طرفی، دوری مسیر و بد رفتاری ظالمین و ستمگران یزیدی از طرفی دیگری باعث رنجش خاطر فرزندان رسول خدا شده بود. پس از بی احترامی های آنان نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)، وقتی خاندان عصمت و طهارت در مسجد اموی دمشق اجلال نزول کردند و مجلس یزید (لعنه الله علیه) نیز برپا بود. یزید در صدد این بود تا با جسارت تمام، خاندان اهل بیت (علیهم السلام) را خارجی و افراد یاغی و سرکش معرفی کند. پس از آن که اهل بیت (علیهم السلام) بر مجلس یزید وارد شدند، یزید عنان سخن را به دست گرفته و شروع به یاهو سرایی کرد.

وجود مقدس امام سجاد (علیه السلام) نیز با مشاهده این سخنان باطل و دروغ گویی یزید، ایستاد و خطبه ای مفصل در رسواسازی بنی امیه بیان کردند و پس از حمد الهی، در معرفی خود چنین فرمودند: «يَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ نَفْسِي أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ مَرَوْهَ وَالصَّفَا أَنَا ابْنُ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى... أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا...؛ ای گروه مردم! هر کسی مرا می شناسد که هر کسی که مرا نمی شناسد خودم را معرفی می کنم. من فرزند مکه و منی هستم. من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) هستم...، من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و کسی که به ظلم کشته شده {یعنی امام حسین} هستم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ هـ، ج ۴، ص ۱۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۷۴).

۷،۲- همچنین امام سجاد (علیه السلام) در ضمن صلواتی بر اهل بیت (علیهم السلام)، نام حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) را برده‌اند چنانچه فرمودند: «اللهم صل علی محمد المصطفی، و علی علی المرتضی، و فاطمه الزهراء، و خدیجه الکبری، و الحسن المجتبی...؛ خدایا بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی: درود بفرست» (صحیفه سجاده).

۸،۲- سید بن طاووس دعایی را از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت در نیایش خود ضمن صلوات بر حضرت فاطمه زهرا، بر مادر ایشان حضرت خدیجه کبری نیز درود می‌فرستد: «فَصَلِّ عَلَیْهَا وَ عَلَی أُمَّهَا خَدِیجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أُبَیْهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ خدایا بر او [حضرت زهرا] و بر مادرش خدیجه کبری درود بفرست. درودی که به واسطه آن مقام پدرش (صلی الله علیه و آله و سلم) گرامی داشته شود» (طوسی، ۱۴۱۱هـ).

۹،۲- در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان (علیه السلام) صادر شده است، در فرازی با توجه به حضرت ولی عصر (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: «این ابن النبی المصطفی، و ابن علی المرتضی، و ابن خدیجه الغراء؛ کنجاست پسر پیامبر برگزیده (صلی الله علیه و آله و سلم) و پسر علی پسندیده (علیه السلام) و پسر خدیجه بلند مقام (سلام الله علیها)؟» واژه «غراء» به معنی شامخ و ارجمند است که در اینجا به عنوان صفت برای ام المؤمنین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ذکر شده است.

همین امر موجب شد تا منافقین سعی کنند چهره خدیجه (سلام الله علیها) را در بین مردم مخدوش کنند. از طرفی دیگر حسب و نسب دشمنان، همیشه باعث سرافکنندگی و مایه ننگ آن‌ها بوده است؛ چراکه آنان مادرانی خلاف کار و ناپاک داشتند. مثلاً مادر معاویه از فواحش معروف زمان خود بوده است که روابط نامشروع او با بسیاری از مردان قریشی و غیرقریشی در تاریخ ثبت شده است. همچنین جدۀ عمر بن خطاب نیز این‌گونه بوده است، حتی خود غاصبین هم به آن اعتراف کرده‌اند. بنابراین برای منافقین سخت است که وجود مادری مانند حضرت خدیجه را برای اهل بیت (علیهم السلام) قبول کنند. برای همین سعی کردند تاریخ زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را تحریف کنند و از این طریق نسب اهل بیت (علیهم السلام) را کم‌رنگ کنند.

۳. جعل جایگاه والا برای بعضی دیگر از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

تراشیدن جایگاه والا برای بعضی دیگر از همسران پیامبر، یکی دیگر از عللی است که موجب شد منافقان به زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دستبرد بزنند. منافقان برای اینکه عایشه و حفصه را در میان مردم

بزرگوار جلوه بدهند، مجبور بودند قسمتی از فضائل و مناقب حضرت خدیجه را حذف کنند. از طرفی دیگر با جعل حدیث، تا جایی که توانستند برای عایشه و حفصه فضیلت تراشی کردند.

در منابع روایی اهل سنت حدیثی در منقبت عایشه از زبان خود او آمده است: «إن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يوما يا عائشة هذا جبريل يقرئك السلام فقلت وعليه السلام ورحمة الله وبركاته؛ عایشه می گوید: روزی رسول الله به من گفت: ای عایشه، این جبرئیل است که به تو سلام می رساند. من در پاسخ سلام جبرئیل به پیامبر گفتم: سلام و رحمت خداوند بر او باد» (عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۳۳، ح ۳۵۵۷). این روایت در دیگر کتب حدیثی معتبر مثل مستدرک الصحیحین در قسمت معرفه الصحابه، سنن ابی داوود، ابن ماجه، نسائی، صحیح بخاری، صحیح مسلم، و... نقل شده است و آن را دلیلی بر فضیلت عایشه می دانند. این در حالی است که پیامبر، سلام خداوند را بر خدیجه (سلام الله علیها) ابلاغ می کند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۳۳). اهل سنت مقام و جایگاهی برای عایشه قائل هستند که هیچ زنی نمی تواند به او برسد. همچنین اهل سنت به عایشه لقب ام المؤمنین داده و در عمل نیز او را بر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ترجیح می دهند.

منابع اهل سنت روایت دیگری را در منقبت عایشه آورده اند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود «من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وآسية امرأة فرعون وفضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام؛ مردان زیادی به تکامل رسیده اند، در حالی که از بین زنان، تنها مريم بنت عمران و آسیه همسر فرعون کامل هستند و برتری عایشه بر دیگر زنان، مثل برتری آب گوشت بر غذاهای دیگر است» (بخاری، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷۴؛ ح ۳۵۵۸؛ عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۳۴، ح ۳۵۵۸۴).

در حالی که در کتاب های حدیثی شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «خير نساء العالمين اربع، مريم و آسية و خديجه و فاطمه؛ بهترین زنان جهانیان چهار زن هستند: مريم و آسیه و خدیجه و فاطمه» (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۳۷).

به تصریح علمای اهل تسنن، عایشه بارها باعث اذیت و آزار پیامبر شده بود. او بعد از شهادت پیامبر اسلام به جنگ با امیر المؤمنین (علیه السلام) برخاست. همچنین دستور تیرباران پیکر مطهر امام حسن (علیه السلام) را داد. با این اوصاف، چگونه می شود که پیامبر سلام خدا به عایشه را رسانده باشند و او را یکی از چهار زن بهشتی معرفی کرده باشند!

بنابراین منافقان تا جایی که توانستند فضائل و مناقب حضرت خدیجه را حذف کردند. از طرفی دیگر همین فضائل را به دیگران نسبت دادند تا از فروغ خدیجه (سلام الله علیها) در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند.

۴. فراموش شدن نام و یاد حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

فراموش شدن نام و یاد حضرت خدیجه کبری به هر طریق ممکن، امکان یکه تازی دیگر همسران پیامبر در مقام ام المؤمنینی را بیشتر فراهم می ساخت. در سایه فقدان ذکر و یاد آن بانوی بزرگوار در بین مسلمین، زمینه رشد بهتری برای منافقان فراهم می آمد تا از این طریق راحت تر بتوانند دین خدا را به نفع غاصبان تأویل و تفسیر کنند و با سوء استفاده از نام ام المؤمنینی، حجابی سترگ میان اهل بیت (پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) و مردم ایجاد کنند و مانع دسترسی مردم به ایشان شوند (بابایی، ۱۳۹۸، ص ۱۶).

۵. جلوگیری از توجه مردم به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

اگر مسلمانان به حقایق زندگی سراسر نور و برکت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پی می بردند، شأنیت حقیقی همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برای آنان آشکار می شد و دیگر برای امثال عایشه با آن همه فجایعی که خود اهل تسنن برای او نقل کرده اند، اعتبار و ارزشی قائل نبودند. همین علت باعث شد تا منافقان در تاریخ زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دست ببرند و با خدشه وارد کردن به زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مانع توجه مردم به جایگاه والای ایشان شوند. همچنین الگو شدن خدیجه (سلام الله علیها) برای مردم، می توانست برای اهداف دنیوی و مادی آنها خطر آفرین باشد (همان).

نتیجه گیری

منافقین برای کم فروغ نشان دادن اسلام در نظر مردم، دست به تحریف تاریخ صدر اسلام و حذف فضائل و مناقب بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه (سلام الله علیها) زدند؛ چراکه حضرت خدیجه در گسترش اسلام نقش بسزایی داشتند. برای همین منافقین تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا اثری از فضائل این بانوی نمونه در تاریخ باقی نماند؛ زیرا با تحریف تاریخ، بزرگان کوچک می شوند و افراد فرومایه بزرگ می شوند، همچنین شر و بدی، جای خوبی را می گیرد. لذا در کتب تاریخی از دشمنان اسلام و غاصبین امامت فضیلت و منقبت جعل شده است؛ همان فضائل و مناقبی که از افرادی بزرگ مثل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) حذف شده است.

مهم ترین علل دستبرد منافقین در تاریخ زندگی ام المؤمنین در نمودار زیر آمده است:



(نمودار شماره ۱: مهم ترین علل دستبرد منافقان در تاریخ زندگی حضرت خدیجه)

منابع

- صحیفه سجادیه
- ۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ۲. ابن الأثیر، عز الدین، (۱۴۱۵هـ)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، المحقق: علی محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، ج ۵، الناشر: دار الکتب العلمیة الطبعه.
- ۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، البداية و النهایة، ج ۳، بیروت، دار الفکر.
- ۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۹۵۶م)، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ج ۴، ناشر: المکتبه والمطبعة الحیدریه.
- ۵. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- ۶. آقابابایی، مهدی، (۱۳۹۸)، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)، اصفهان: نورالهیات.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، **التاریخ الکبیر**، تحقیق سیدهاشم ندوی، الفصول المختارة، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت: دارالمفید.
۸. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، **دلائل النبوة**، تحقیق عبد المعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۹. سلطانی، مجتبی، (۱۳۹۹)، **سیمای حضرت خدیجه در تاریخ نگاری متقدم سنی**، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۳۱.
۱۰. سیدبن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۹۵)، **اللہوف فی قتلی الطفوف**، مترجم: محمد اسکندری، ناشر: آرام دل.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، **تاریخ الامم و الملوک**، تحقیق: محمدأبوالفضل ابراهیم، ج ۲، چ ۲، بیروت، دار التراث.
۱۲. الطوسی، الشیخ ابوجعفر، (۱۴۱۱هـ)، **محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ ق)**، مصباح المتہجد، بیروت: مؤسسہ فقہ الشیعہ.
۱۳. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۴۰۷ق)، **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، ج ۷، دارالریان للتراث.
۱۴. قمی، عباس، (۱۴۱۴ق)، **سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار**، ج ۱، چ ۱، قم: اسوه.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسہ الوفاء،
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، ج ۴۴، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، مصحح: مؤسسہ آل البيت (علیہم السلام)، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.